

آخر تو ، چه بلایی ؟

ای دزد تو از کجایی ؟
آفت جان مایی
جانی و هم تبه کار
مصیبت خدایی
بهر حصول دنیا
آگنده از ریایی
گرگ اسیر نفس یی
کم ترز هر گدایی
تو ضد علم و دانش
تو دشمن ضیایی
« گاه از قماش » پرچم
گاهی ز « خلقی » هایی
« گاه در زمره » مجاهد
گاه « طالب » جفایی
یکدم بگو خدا را
!آخر تو ، چه بلایی ؟
اینقدر دانند ، مردم
تو خود یک ناسزایی
صد رنگ جامه پوشی
دنی و بی حیایی
وجدان مرده ، ابلیس
تو سرتا پا ، سیایی
با پول چور و دزدی
(کاندید ای پرمدعایی)
!! خواهی شوی زمامدار
پرو چو سنگ پایی
ننگین به چشم تاریخ
حقیر به چشم مایی
وطن فروش و خاین
« از جنس » شاه شجاعی
ای دست نشانده غیر
!! آیا ، تو پادشایی ؟
آخر به حکم مردم
لایق هر جزایی

(ناتور رحمانی)

